



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲

حمید انوری

## خطاب به نانجیب "تاریک" اندیش و رفقاییش

بلی تاریخ گواه است!

فرد معلوم الحالی بنام "نجیب روشن"، یعنی در حقیقت نانجیب تاریک، جفنگنامه نوشته و روی سپید کاغذ را سیه کرده، تحت عنوان "آیا تشکیل «امارت اسلامی»، خواست و حاصل تلاش های دیروز «ما» نیست؟"

این سفسطه بافی و جفنگ پراگنی و چرندیات تهوع آور طبق معمول در سایت بی در و دروازه "افغان - جرمن آنلاین" انتشار یافته که می شود با فشار بر لینک متذکره در بالا آنرا خواند و... این پرچمی شرف باخته و وجدان مرده که گاهی در خدمت روس دمبک زد و گاهی هم در خدمتگزاری به امریکا و متحدین، تشکیل "امارت اسلامی- طالبی" را حاصل قیامهای خودجوش دختران و پسران مکاتب کابل در نهم ثور ۱۳۵۹ میداند که در آن قیام سترگ، خواهر نامراد ما "ناهید صاعد" و نیز "وجهیه خالقی" و بیشمار دیگر دختران و پسران مکاتب کابل در مقابل رژیم کودتا و تجاوز عریان روسیه شوروی وقت، به سرک ها و خیابانهای کابل برآمده بودند و از جمله شعار های اصلی و اساسی شان اینها بود: "روس ها از ملک ما بیرون شوید"، "مرگ بر بیرک" و... و در آن زمان نه از تاک نشان بود و نه از تاکنشان، نه از ملا و مولوی خیری بود و نه از طالب و چلی، نه از تنظیم های ساخته و پرداخته پاکستان و ایران خیری بود و نه هم از "جهاد" و شعار های "اسلامی" و...

و اما ننگ و نفرین ابدی باد بر نانجیب های تاریک اندیش و امثال شان که هنوز هم با گذشت بیشتر از چهل (۴۰) سال، همان جفنگ های تهوع آور ساخته و پرداخته کی جی بی وقت را قفله میکنند و آن قیام های دلیرانه و غرور آفرین را به "طالب" و "تنظیم" و پاکستان و ایران مرتبط ساخته و نتیجه می گیرند که آن قیام ها و آن حماسه های جاودانه گویا سبب به وجود آمدن اوضاع و احوال پسین تا امروز بوده و است و...

و اما او با دیده درائی ذاتی پرچمی های زیردارگریختگی، با زرنگی خاصی تلاش ورزیده است تا زیردارگریختگی های خلقی- پرچمی را "نیروهای «ملی و دموکراتیک» در جامعه" جا زده و به زعم خود، راه گریزی برای رفقای جنایتگستر حزبی خود از فردای بازخواست مردم، جستجو کند و...، او در همان سطر از جفنگ نامه خود ادامه میدهد " ... که در حال حاضر پراکنده، متفرق و از دایره فعالیت سیاسی بیرون شده اند و در حالت «نه فعال- نه متوقف» قرار دارند و..."

شکر خدا که شماها همه پراکنده و متفرق بوده و از دائره فعالیت سیاسی بیرون انداخته شده اید، ورنه وا به روزگار آن ملت و مردم که جنایتکاران جنگی و فراریان حزبی، چه از قماش خلقی و پرچمی و چه هم از قماش تنظیمی و...، باز هم سرنوشت مردم و مملکت را به بازی می گرفتند. خداوند شماها را همیشه پراکنده داشته باشد و از شر شماها این ملت و این مردم و این مملکت را در امان داشته باشد. فقط منتظر بازخواست ملت باشید و بیشتر از این از جفنگ نویسی و سفسطه پراگنی و ایجاد جو تفرقه اندازی و...، خودداری کنید و به بار گناهان و جنایات عدیده تان نیفزائید که به جز روسیاهی نتیجه برای تان ندارد.

در روز قیام سترگ نهم ثور ۱۳۵۹، هیچ شعار تحریری و تقریری اسلامی، نه نوشته شده بود و نه فریاد می شد، نه از طالب و طالب بازی اثری بود و نه نامی از تنظیم های ساخته و پرداخته ایران و پاکستان.

اما این نانجیب تاریک اندیش و سفسطه نویس و جفنگ پرداز چرا یکباریکی آن قیام خودجوش و سترگ را پیوند میزند به "طالب" و "امارت" و "اسلام خواهی" ...، گویا در کدام فیس بوک کدام ملا و ملاحظه ای چنین جفنگیات را خوانده و تازه از خواب خرگوشی بیدار گردیده و صاف و ساده آن جفنگیات را از سیر تا پیاز پذیرفته است و در نتیجه همان تبلیغات میان تهی کودتاچیان هفتم ثوری را بعد از سپری شدن بیشتر از چهل سال، قلقله کردن گرفته و نشخوار میکند و گویا به یک راز بزرگی دست یافته است و...



از این نو باوگان افغان زمین و از خونهای پاک شان که بر زمین ریختید، شرم و حیا کنید، اگر چیزی به نام شرم و حیا و وجدان و شرف در وجود بی وجود تان هنوز وجود دارد، که ما را عجب آید!

بیشتر از این به آن جفنگیات پرداختن را لازم نمی دانم و ارزش آنرا هم ندارد، آخر گفته اند"

گلیم بخت کسی که بافتند سیاه

به زمزم و کوثر نتوان کرد سپید

نه آن نانجیب، نجیب می شود و نه هم آن تاریک، روشن و نه هم آن خلقی و پرچمی می شوند آدم. و اما و ولی و مگر، نباید از سر جفنگنامه یک پرچمی دیگر هم درنگ ناکرده گذشت، چه این یکی داد از اتحاد میزند و فکر میکند که تاریخ و مردم فراموشکار اند و گذشته ها هم به فراموشی سپرده شده اند و می شود "سواره از بیخ ریش مردم گذشت" و...

این پرچمی زاده عنوان جفنگنامه خود را چنین انتخاب کرده است: حل مشکل ما در اتحاد ما

کدام اتحاد و کدام ما، جناب میرزاده؟ اگر منظور تان از اتحاد، اتحاد با خلقی ها و پرچمی های زیردارگریختگی و شرف مرده و وجدان باخته مانند خودتان و نانجیب تاریک اندیش و امثال تان است، از آنگونه "اتحاد" ها ما را تیر و خدا نصیب هیچ مؤمن و مسلمان و عیسوی و نصرانی و با دین و بی دین نکند.

نگاهی گذرا هم می اندازیم به جفنگ پراگنی های این پیرو و دنباله رو نجیب گاو، هرچند لینک را در بالا گذاشته ام، تا خوانندگان خود قضاوت فرمایند که این طائفه اصلاح ناپذیر بوده و هزار سال بعد هم مرغ شان همین یک لنگ را خواهد داشت.

"میرزاده" که هیچوقت "میر" نمی شود، جفنگ نامه خود را چنین می آغازد:

"بنابر خود فروختگی رهبر نما های ساخت امریکا و غرب،..."، او هرگز از رهبر نما های ساخت روسیه، تذکری نمی دهد...

او ادامه میدهد: "... نادانی و نا آگاهی مردم ما و ابعاد وسیع مداخلات و تجاوزات بیرونی..."، او در یک کلام مردم افغانستان را "نادان" و "ناآگاه" می خواند و مداخلات و تجاوزات بیرونی را هم فقط مداخلات و تجاوزات امریکا و متحدین نشانی میکند و یک قلم از مداخلات و تجاوزات روسها و متفقین شان چشم پوشی کرده و از آن یادی نمی کند و...

در جای دیگر می نویسد "... پاکستان تروریست پرور که دیروز در تبنای با انگلیس، امریکا و متحدین عربی شان نطفه های تروریزم را در وجود گلبدین حکمتیار، برهان الدین ربانی، احمد شاه مسعود، تورن اسمعیل، مولوی یونس خالص، جلال الدین حقانی، عبدالرب رسول سیاف، صبغت الله مجددی، سید احمد گیلانی و دیگران در پاکستان گذاشتند ...".

با یک قسمت از این یکجانبه نگری او می توان موافق بود، اما در صورتیکه منبع و علت و علل اصلی اینهمه بدبختی و تروریست پروری را که همانا مداخلات و تجاوزات روسیه شوروی وقت بود، تذکر میداد.

کودتای نامیمون ثور و مرحله ننگین ششم جدی آن و در نتیجه تجاوز وحشانه روس بر افغانستان با تمام شدت و وحشت و دهشت آن و با تمام قتل و کشتار و خونریزی و ویرانی و با تمام چور و غارت و ویرانی و با تمام تروریست پروری آن و...، قصداً از قلم انداخته می شود، چون خودش یک مهره سوخته همان تجاوزات ددمنشانه و تروریست پرورانه آن است. اگر کودتای شوم هفتم ثور ۱۳۵۷ با اشاره و کمک مستقیم روسها در افغانستان صورت نمی گرفت، اگر وحشی صفتان روسی با دیده درائی و ددمنشی به کشور زیبای ما تجاوز نمی کردند، اگر مرحله ننگین کودتای شوم ثور توسط ببرک روبا و نجیب گاو (با عرض معذرت از تمام روبا ها و گاوان جهان) و یک مشت جیره خواران روس به مرحله اجرا گذاشته نمی شد، اگر از کشته های مردم در هر گوشه و بیشه و کوی و برزن، پشته ها نمی ساختید، نه پاکستان و نوکران آن و نه هم ایران و غلامان شان و نه هم امریکا و متحدین و "دیموکراتان" شان، آنهمه فجایع را در کشور عزیز ما به راه انداخته می توانستند، اما چه باید کرد که دسته کاردی که گلوی ملت شریف افغان را نامردانه برید، از خود ما بود و همین خلقی ها و پرچمی های شرف باخته و وجدان مرده و خدا شرمانده و خلق رانده بودند که دمار از روزگار مردم ما بدر آوردند که اثرات شوم آنهمه جرم و جنایت و خطا و خیانت و قتل و کشتار و بربادی و خانه ویرانی و...، تا امروز برجا است و خون افغان هنوز هم بی محابا میریزد و...

"میرزاده" با دیده درائی ذاتی خود جفنگ پراگنی خود را چنین ادامه میدهد "حکومت قانونی افغانستان را سقوط داده و..."، او با دیده درائی ذاتی و وجدان مردگی میراثی خود، تلاش میکند که حکومت نجیب گاو را، یک حکومت "قانونی"، عنوان کند و به زعم خود بر دیده مردم خاک بپاشد و...

او ادامه میدهد " ... هم جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا و هم شهپاز شریف صدراعظم پاکستان با وقاحت هرچه تمام داد میزنند و نگرانی خویش را از فعالیت گروه های تروریستی در افغانستان ابراز میدارند. مگر اینها اینقدر کودن بودند که دیروز این را نمیدانستند؟! "

اینکه اینها کودن هستند یا پوتین ها و برژینف های مردار شده و به جهنم پیوسته، تاریخ به اثبات میرساند، اما آنچه مسلم است این است که اساس این تروریست پروری ها را روسیه شوروی وقت به سردمداری برژنیف لعین گذاشت و یک مشت تروریست خلقی و پرچمی را بر کرده مردم ما

سوار کرد تا مقاصد شوم توسعه طلبی شانرا در کشور ما پیاده کنند و حاصل آن امروز دیده می شود که تروریسم پروری سر تا سر کره ارض را فرا گرفته است و همین امروز تروریستان دولتی روسی، خاک اوکراین را به توبره کرده و از کشته های اوکراینی ها پشته ها ساخته اند و هنوز هم در تلاش اند که خاک های تصرف شده اوکراین را به روسیه ضمیمه کنند و دامنه تروریسم دولتی روسی را تا سرحدات پولند و سویدن و... بکشانند. مگر کجاست چشم بینا و بصیرت بیدار؟! چرا این "میرزاده" با چنان دیده درائی در کتمان حقایق مبرهن روز، تلاش می ورزد و از باداران روسی خود چه مقدار پول دریافت داشته است!؟

او نوشته تفنین آمیز و دستوری خویش را چنین دامه میدهد: "...، عده دیگر زخم های خونین گذشته را تخریش کرده روز هایی را بنام نسل کشی و این آن ثبت میکنند، نمیدانند که ثبت این نسل کشی در شرایط حاضر بمثابة خود کشی است..."

خدمت این چاکر بی مقدار روسیه باید عرض کرد اینکه، تا عدالت بصورت واقعی در آنکشور به اجرا گذاشته نشده است، آن زخم های خونین، همچنان خونچکان می مانند و از آنها خون همچنان جاری است و آن زخم های عدیده، هرگز و هرگز کهنه نمی شوند، حتی اگر به گفته این وجدان مرده، به مثابه "خودکشی" هم باشد.

مگر نگفته اند که: **پدر کشتی و تخم کین کاشتی پدر کشته را کی بود آشتی**

اگر نه چنان است، پس چرا نانجیب تاریک اندیش پس از سپری شدن چهل و اندی سال هنوز هم همان جویده های متعفن کی جی بی وقت و اگسا و کام و خاد و واد را نشخوار میکند و شرم هم ندارد و چرا "میرزاده" ها هیچ یادی از جنایات خلق و پرچم نمی کنند و تجاوز ددمنشانه روس بر افغانستان را یکسره نادیده میگیرند و هزار و یک سوال دیگر، و ده ها نوشته دیگر از این پرچمی زادگان وجدان مرده و شرف باخته و میهن فروش و جاسوس و خائن که در یکی دو سایت "بی غم باش" به نشر میرسانند، خود گواه این اصل است که این وطن فروشان وجدان مرده و شرف باخته هرگز آدم نمی شوند و از راه انسانیت و افغانیت به فرسخ ها فاصله دارند و اتحاد با این طائفه از ناممکنات است و هیچ افغان را در هیچ کجای دنیا و تحت هیچ شرایط، خواست و آرزو چنان نیست.

**بلی تاریخ گواه است!** گر عدل کنی بر جهانانت خوانند

ور ظلم کنی سگ عوانت خوانند

چشم خردت باز کن و نیک ببین

تا زین دو کدام به که آنت خوانند